

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

معنای حدیث «لَا یُرَدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ» چیست؟

(ترجمه)

پرسش:

در کتاب تفکیر اسلامی که یکی از کتاب‌های تبنی شده شما است، طوری آمده که دعاء، قضاء، قدر و علم الله سبحانه و تعالی را تغییر نمی‌دهد؛ در حالی که در قرآن و سنت نصوصی وجود دارد که با این بیان در تعارض است، از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فرمود:

«لَا یُرَدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ»

ترجمه: جز دعاء هیچ چیزی قضاء الله سبحانه و تعالی را تغییر نمی‌دهد.

هم‌چنان احادیث بسیار دیگری است که همین معنی را افاده نموده و این احادیث ثابت می‌سازد که دعاء "قدر" را تغییر می‌دهد؛ پس در بین آن چه که در این کتاب ذکر شده و در بین نصوص چه گونه تعامل می‌شود؟ الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر نصیب فرماید!

پاسخ:

به نظر می‌رسد که منظور شما به متن کتاب "فکر اسلامی" است؛ نه "تفکیر اسلامی" و شما در سوال خود به خطا رفته‌اید. اشتباه دیگری که در سوال شما آمده، این قول شما است که گفتید: (این کتاب یکی از کتاب‌های تبنی شده است)؛ در حالی که این کتاب از جمله ای کتاب‌های تبنی شده نمی‌باشد؛ چنانچه این کتاب در فهرست کتاب‌های غیر تبنی شده، ذکر شده است. کتاب‌های که از طرف حزب صادر شده؛ خواه اسم امیر حزب بر این کتاب‌ها تحریر شده باشد؛ خواه اسم عضوی از اعضای حزب، این کتاب‌های غیر تبنی شده بوده و در حلقات حزب تدریس نمی‌شود. کتاب "فکر اسلامی" در لیست کتاب‌های غیر تبنی شده می‌باشد. به هر حال، طوری که قبلاً بیان نمودم، اشاره شما به متن این کتاب است؛ چنانچه در این کتاب آمده است: «لیکن لازم است واضح باشد که دعاء علم، قضاء و قدر الله سبحانه و تعالی است، تغییر نمی‌دهد و هیچ تغییری هم در آن نمی‌آید؛ زیرا علم الله سبحانه و تعالی حتماً متحقق بوده و قضای الله سبحانه و تعالی نیز به وقوع می‌پیوندد؛ هم‌چنین وقتی الله سبحانه و تعالی چیزی را مقدر سازد، کسی نمی‌تواند آن را سلب نماید.»

شما می‌گوئید که متن این کتاب با چیزی که در حدیث:

«إِنَّ الدُّعَاءَ يُرَدُّ الْقَضَاءَ»

ترجمه: محققاً دعاء قضاء را تغییر می‌دهد.

و در روایت دیگر:

«لَا يُرَدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ»

ترجمه: جز دعاء هیچ چیزی قدر الله (سبحانه و تعالی) را تغییر نمی‌دهد.

در تعارض است و برای شما سوال است که این دو با هم چطور جمع می‌شود؟

قبل از این که پاسخ سوال شما را بدهم، می‌خواهم چند موضوع مرتبط به این مسأله را به عنوان مقدمه ارایه نمایم:

جایگاه دعاء در اسلام و اجابت به اذن الله سبحانه و تعالی:

در این خصوص آیات و احادیث زیادی آمده که از جمله، این آیات و احادیث قرار ذیل است:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (غافر: 60)

ترجمه: پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم. کسانی که خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت.

حاکم در مستدرک خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ»

ترجمه: چیزی بزرگ‌تر از دعاء در نزد الله (سبحانه و تعالی) نمی‌باشد.

هم‌چنان احمد در مسند خود از ابو سعید رضی الله عنه روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِيْمٌ وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثِ إِمَّا أَنْ تُعَجَّلَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَإِمَّا أَنْ يَدْخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا قَالُوا إِذَا نُكْثِرُ قَالَ اللَّهُ أَكْثَرُ»

ترجمه: مسلمانی که دعاء می‌کند و دعایش به گناه و قطع صله‌ای رحم نباشد، الله سبحانه و تعالی حتماً یکی از حالات را برایش مهیا می‌سازد. این که عجالاً دعایش را قبول می‌نماید، مزدی در آخرت برایش ذخیره می‌گردد و با این که ضرری را از او دور

می گرداند. صحابه گفتند: پس ما زیاد دعاء می کنیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: الله سبحانه و تعالی نیز برای شما بسیار می دهد.

و هم چنان این حدیث را حاکم در مستدرک خود از ابو سعید رضی الله عنه روایت نموده است.

این دلائل واضح می سازد که الله سبحانه و تعالی دوست دارد که بنده مومن اش دعاء کند و الله سبحانه و تعالی را به کثرت بخواند، در آن وقت است که در یکی از سه حالت دعایش قبول می شود؛ چنان چه در مسند احمد آمده است: اجابت دعاء در لوح محفوظ ثبت بوده چیزی اتفاق نمی افتد؛ مگر این که از روز ازل در لوح محفوظ ثبت باشد؛ چنان چه این مطلب در دلائل قدر نیز واضح است.

وقتی دلائل قطعی در خصوص یک موضوع وجود داشت که حکم معینی را برساند؛ هم چنان دلیل ظنی در خصوص همین مسأله وجود داشت که سند آن صحیح بوده و حکمی دیگری را افاده می کرد در این حالت در ظاهر تعارض بین دلیل ظنی و دلیل قطعی است، در چنین حالتی سعی می شود که بین این دو دلیل جمع شود؛ زیرا عمل نمودن به هر دو دلیل بهتر از ترک یکی شان است. اگر جمع بین دو دلیل ممکن نبود بر دلیل قطعی عمل شده و عقلاً دلیل ظنی رد می گردد؛ زیرا سند دلیل ظنی صحیح است؛ اما در صورتی که سند دلیل ظنی ضعیف بود، به دلیل ضعف سند، دلیل ظنی رد می گردد.

از جمله دلائل قدر:

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا﴾

ترجمه: حکم الله سبحانه و تعالی حتماً به وقوع می پیوندد.

معنای قدر در این آیه مبارکه همان امری است که از روز ازل مقدر شده و معنای مقدر حتمی الوقوع است؛ پس معنای (قدرا مقدورا) حکم جازم الوقوعی است که وقوع آن حتمی است.

﴿وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (سبا: 3)

ترجمه: به اندازه سنگینی ذره ای، در تمام آسمان ها و زمین از او پنهان و نهان نمی گردد؛ نه کم تر از اندازه ذره و نه بزرگ تر از آن، چیزی نیست؛ مگر این که در کتاب آشکاری ثبت، ضبط و نگه داری می شود.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (سبا: 3)

ترجمه: دانای راز (نهان در گستره جهان) است. قیامت به سراغ شما می‌آید (و الله سبحانه و تعالی به اعمال شما رسیدگی می‌نماید) به اندازه سنگینی ذره‌ای، در تمام آسمان‌ها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد؛ نه کم‌تر از اندازه ذره و نه بزرگ‌تر از آن، چیزی نیست؛ مگر این که در کتاب آشکاری ثبت، ضبط و نگه‌داری می‌شود.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (حدید: 22)

ترجمه: هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد؛ مگر این که پیش از آفرینش زمین و خود شما، در کتاب بزرگ و مهمی (به نام لوح محفوظ، ثبت و ضبط) بوده است. این کار برای الله (سبحانه و تعالی) ساده و آسان است.

هم‌چنان احادیثی در خصوص قدر و کتابت در لوح محفوظ وارد شده که از جمله، این احادیث قرار ذیل است:

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفته رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم گفت:

«جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا أَنْتَ لَاقٍ» (رواه بخاری)

ترجمه: آن چه که برای تو مقدر شده قلم آن را نوشته است.

این حدیث به معنای این است که آن چه از روز ازل در کتاب لوح محفوظ نوشته شده، حتماً آن را می‌بینید. هم‌چنان حضرت عمر رضی الله عنه در حدیثی که از آمدن جبرئیل و سوال آن از اسلام و ایمان شده از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نموده است، در این حدیث آمده است که حضرت جبرئیل گفت: از ایمان برایم بگو، رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت:

«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» (رواه مسلم)

ترجمه: آن که به الله (سبحانه و تعالی)، ملائک، کتاب‌ها و پیامبران او و روز آخرت ایمان آورده؛ هم‌چنان به «قدر» که خیر باشد و یا شر نیز ایمان بیاورید.

یعنی ایمان بیاورید که الله سبحانه و تعالی خیر و شر را قبل از خلق مخلوق، مقدر نموده است.

از جابر رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است:

«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئْهُ وَأَنَّ مَا أَخْطَاهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ» (رواه

ترمذی)

ترجمه: بنده‌ای ایمان ندارد؛ مگر این که به قدر، خیر باشد و یا شر، ایمان بیاورد و بداند آن چه که برایش مقدر شده؛ حتماً برایش می‌رسد و آن چه که مقدر نشده هرگز نمی‌رسد.

از ابوالعباس عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفته است، من روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم که وی فرمود:

«يَا غُلَامُ، إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ، أَحْفَظُ اللَّهُ يَحْفَظُكَ، أَحْفَظُ اللَّهُ تَجِدَهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَّمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَّمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتْ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ» (رواه الترمذی)

ترجمه: روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای جوان! من چند کلمه را به تو می‌آموزم: الله سبحانه و تعالی را نگه‌دار تا او تو را نگه‌دارد. به الله سبحانه و تعالی روی آور تا او را در برابر خود بیابی؛ هرگاه خواهش و نیازی داری، از الله سبحانه و تعالی بخواه و هرگاه یاری و کمک خواستی؛ نیز از الله سبحانه و تعالی یاری بخواه. این را به یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا به تو سودی برسانند، نمی‌توانند؛ مگر آن چه که الله سبحانه و تعالی برای تو نوشته باشد و اگر همه امت جمع شوند تا به تو زیانی نیز برسانند، نمی‌توانند؛ مگر زیانی که الله سبحانه و تعالی بر تو نوشته باشد. قلم‌های سرنوشت برداشته شده و نامه‌ها خشک گشته‌اند.

حالا در مورد دو حدیثی صحبت می‌کنیم که گفته دعاء، قضاء و قدر را تغییر می‌دهد.

حاکم در مستدرک خود بر شرط صحیحین از ابن عباس و ابن عباس از ثوبان روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است:

«إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ»

ترجمه: دعاء، قضاء را رد می‌کند.

در روایت دیگری از حاکم از عبدالله ابن ابی الجعد از ثوبان رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است:

«لَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ»

ترجمه: قدر را دعاء تغییر می‌دهد.

حاکم گفته این حدیث، صحیح‌الاسناد است؛ ولی صحیحین آن را تخریح ننموده است.

با بررسی همه جانبه‌ای نصوصی که در مورد قدر آمده؛ مخصوصاً آیات قطعی‌الدلاله، از این دلائل فهمیده می‌شود که همه‌اشیاء را الله سبحانه و تعالی مقدر و در نزد خود ثبت نموده است و در وجود این اشیاء هیچ تغییری؛ جز آن چه که از روز اول در نزد الله

سبحانه و تعالی مقدر شده، نمی‌آید. آن چه که الله سبحانه و تعالی آن را مقدر نموده، هیچ چیزی مانع آن نشده؛ حتماً به وقوع می‌پیوندد.

از دو حدیث فوق فهمیده می‌شود که دعاء، قضاء و قدر الله سبحانه و تعالی را تغییر می‌دهد که در این صورت ظاهراً در بین احادیث وارده و آیه مبارکه تعارض به نظر می‌رسد؛ طوری که قبلاً گفتیم در چنین حالاتی، نخست تلاش می‌کنیم که بین این دو حدیث و آیه مبارکه که دلیل قطعی است، جمع کنیم؛ در صورتی که جمع بین این دو نوع دلیل ممکن نبود، عقلاً حدیث رد می‌شود.

بنابراین قاعده ذکر شده، در مورد تعارض ظاهری بین این دو نوع دلیل، به توفیق الله سبحانه و تعالی چنین پاسخ می‌دهم:

در صورتی که حدیث «لَا يُرَدُّ الْقَدَرُ إِلَّا الدُّعَاءُ»؛ به معنای حقیقی آن گرفته شود، عقلاً رد می‌شود؛ زیرا این حدیث به معنای حقیقی معنا می‌دهد که آن چه را در لوح محفوظ نوشته شده، دعاء تغییر می‌دهد؛ در حالی که چیزی که در لوح محفوظ مقدر و ثبت شده باشد؛ هیچ چیزی مانع آن نشده و حتماً به وقوع می‌پیوندد؛ بناءً ناگزیر عقلاً حدیث رد شده و به دلیل قطعی عمل می‌شود. اما قبل از رد حدیث و با دلیل ظنی لازم است که ما سعی خود را به خاطر جمع بین این دو نوع دلیل داشته باشیم تا در صورت ممکن به هر دو دلیل عمل شود؛ زیرا عمل نمودن به هر دو دلیل، بهتر از ترک نمودن یک دلیل آن است.

قاعده‌ای در اصول آمده که هر گاه قرینه‌ای مانع معنای حقیقی می‌گردد، می‌توانیم به طرف معنای مجازی برویم که در این مسأله دلائل قطعی در مورد قضاء و قدر به عنوان قرینه است که ما نمی‌توانیم حدیث را به معنای حقیقی آن حمل کنیم؛ بناءً در این مسأله می‌توانیم معنای کلمه‌ای قضاء و قدر را به معنای مجازی آن حمل کنیم که در این صورت معنای قضاء و قدر به معنای اثر و یا آن چه که بر آن مرتب می‌گردد، حمل می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توانیم بگوئیم که در این دو حدیث، سبب ذکر شده؛ ولی مقصد مسبب است؛ چنانچه در مثال (أُنْبِتَتِ الْأَرْضُ مَطْرًا) (زمین به اثر باران، نبات را سبز نمود) «مطر» ذکر شده؛ ولی مقصد مسبب؛ یعنی «گیاه» است. در این مسأله نیز قدر ذکر شده ولی مقصد معنای مجازی؛ یعنی اثر آن است که در این صورت دعاء اثر قضاء و قدر را رد می‌کند؛ نه ذات قضاء و قدر را؛ پس وقتی که بر مومن قضاء و قدر الله سبحانه و تعالی واقع گردد؛ مثلاً؛ مریض شود و یا اولاد خود را از دست دهد؛ در مال و تجارت خود خساره کند؛ در این صورت، دعاء، می‌تواند اثر قضاء و قدر را تغییر دهد.

طوری که در حدیث حسن ابن علی رضی الله عنهما آمده، حسن رضی الله تعالی عنه گفته است، رسول الله صلی الله علیه وسلم، این کلمات را برایم تعلیم داد تا در قنوت وتر بخوانم «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ... وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ...»؛ زیرا مومن نزد الله سبحانه و تعالی دعاء می‌کند و دعاء را زیاد می‌کند تا شر قضاء از آن دور شود. الله سبحانه و تعالی اثر شر قضاء را از آن سبک ساخته و بر تحمل و صبر آن کمک می‌کند. بسیاری از مردم که خاری به پایش بخلد، این خار آن را بی‌قرار و زندگی‌اش را پریشان می‌سازد و بسیاری از مردم هستند که به مصیبت بزرگی مواجه می‌شود؛ ولی زبان‌اش به ذکر الله سبحانه و تعالی مصروف بوده و از الله سبحانه و تعالی می‌خواهد که شر این مصیبت و اثر آن را از وی دور سازد، الله سبحانه و تعالی برایش صبر داده و آن شخص در کار خود ثابت قدم و با انرژی می‌ماند؛ پس دعاء در این صورت مجازاً قضاء و قدر الله سبحانه و تعالی را رد کرده؛ یعنی دعاء اثر قضاء و قدر را رد کرده است. به این ترتیب معنا چنین می‌شود: قدر الله سبحانه و تعالی حتماً به وقوع می‌پیوندد؛ اما دعای مخلصانه مومن اثر قدر

را تغییر داده، برای مومن صبر و استقامت تحمل آن را می‌دهد که این مصیبت بر مومن سبک به‌نظر می‌رسد. به این ترتیب مصیبت آن‌چنان بر مومن سبک می‌آید که گویا واقع نشده است. پس این مصیبت از روز ازل در لوح محفوظ ثبت است و حتماً واقع می‌شود؛ ولی بندهٔ مومن برای الله سبحانه و تعالی دعاء می‌کند که شر آن را دور سازد و الله سبحانه و تعالی دعای آن را قبول نموده و این بندهٔ مومن را چنان صبر و استقامت می‌دهد که گویا مجازاً مصیبت نیامده است.

من معنای این حدیث را به مفهوم مجازی ترجیح می‌دهم.

برای فهم و فایدهٔ بیش‌تر متن کتاب "التیسیر فی اصول التفسیر" را بیان می‌کنم:

اجابت دعاء؛ به معنای تغییر در قدر و کتابت لوح محفوظ و علم الله سبحانه و تعالی نیست. این بدین معنا نیست که گویا نعوذ بالله، الله سبحانه و تعالی اجابت دعاء بندهٔ خود را نمی‌دانسته و اجابت دعای آن در لوح محفوظ ثبت نشده است؛ بلکه الله سبحانه و تعالی اجابت دعای بندهٔ خود را از همان اول می‌دانسته و در لوح محفوظ ثبت می‌باشد. بدون شک قدر الله سبحانه و تعالی در لوح محفوظ نوشته بوده و هر آن چیزی که به وجود آمده از روز ازل در لوح محفوظ وجود آن ثبت می‌باشد؛ پس الله سبحانه و تعالی می‌داند که فلان شخص آن را دعاء می‌کند؛ اگر الله سبحانه و تعالی اجابت آن را مقدر کرده باشد، می‌داند که فلان شخص چنین دعای می‌کند و می‌داند که این دعاء چنین چیزی را متحقق می‌سازد. پس دعاء و اجابت آن در علم الله سبحانه و تعالی چیز جدیدی نیست که از کتابت در لوح محفوظ باقی مانده باشد؛ بلکه دعاء و اجابت آن در لوح محفوظ ثبت بوده و الله سبحانه و تعالی عمل کرد بندهٔ خود را در گفتار و کردار می‌داند و دعاء و اجابت آن از علم الله سبحانه و تعالی پنهان نبوده؛ بلکه هر دویشان در لوح محفوظ ثبت می‌باشند.

﴿لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ (سبا: 3)

ترجمه: به اندازه سنگینی ذره‌ای، در تمام آسمان‌ها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد.

در کتاب "شرح السنه" نوشته‌ای ابو محمد حسین بغوی شافعی متوفی سال 516 هـ آمده است: «عبدالواحد بن احمد ملیحی از عبدالله ابن ابی الجعد خبر داده که ثوبان گفته که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ»

ترجمه: قدر را جز دعاء چیزی رد نمی‌کند.

گفتم ابوحاتم سجستانی ذکر نموده است: استمرار دعاء، قضای وارده را بر بندهٔ مومن چنان خوشایند می‌سازد که گویا اتفاق نیفتاده است.»

در "مرقات المفاتيح شرح مشكات المصابيح" كتاب ابوالحسن نورالدين ملا هروي قارى متوفى 1014 هـ آمده است: معنای «لا يَرُدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ»؛ قضاء امر تحمیل شده است؛ اگر هدف از این گفته رد قضاء باشد، مراد تخفیف اثر قضاء است؛ در حدی که گویا قضاء نازل نشده است.

امیدوارم که همین اندازه برای سوال شما کفایت کند والحمد لله رب العالمین.

برادرتان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

16 ربیع الاول 1441 هـ.ق.

13 نوامبر 2019 م.

مترجم: مصطفی اسلام